



## 40 ـ مسئله 11 (المراد من الزاد و الرحلة ـ 16/09/85

**دو مسئله در مورد حج:**

**ـ رمی جمرات ۱:** جمرات در اسمال یا ساهای قبل تفاوت کرده و عربستان تغییرات عظیمی در جمرات ایجاد کرده و به جای جمره هفت جمره درست کرده که طول هر کدام ۱۲۵ متر و در مجموع حدود هزار متر است. در زیر این جمرات مکانی به صورت قیف است که ریگهای جمره به مرکز آن و همان جای سابق اصلی می ریزد. مطابق فتوای ما مشکل حل است ولی فقهایی دیگر که این مبنا را نپذیرفته اند مشکل بزرگی دارند.

ما معتقدیم جمره به معنی مجتمع الحصى و ستونها علامت و شاخص است و در رساله ای که در این زمینه نوشته ایم حدود پنجاه مدرک برای این معنا از شیعه و اهل سنت نقل کرده ایم. مطابق فتوای ما هر جا بزنند به جای اصلی می افتند و این کافی است چون در روایات داریم که اگر سنگ به راحله و یا انسان دیگر و یا جای دیگر بغورد و به جمره بیافتد کافی است.
ولی آنها که می گویند باید به ستون بغورد، الآن ستونی در کار نیست و به جای یک ستون هفت ستون است.
سؤال: آیا عربستان سعودی و علمای حجاز حق دارند هر گونه که دلشان بخواهد اعمال و مناسک را تغییر دهند؟ آیا نباید شورایی تشکیل شود و از همه علما نظر خواهی شود؟
اینجا چه ولایتی بر شاهد مشرفه دارند، چرا علمای اسلام اعتراض نمی کنند؛ آنها باید با مشورت با علمای بلاد دیگر این کارها را انجام دهند و نباید علما ساکت بنشینند و باید اعتراض کنند، چون آنجا متعلّق به تمام مسلمین است.
**ـ قربانی ۲:**

در مورد قربانی نظر ما الآن تغییر است، در حالی که سابقاً تعیین بود، چون در آن زمان قربانی ها را می سوزانند که با موازین شرعی سازگار نبود اما اکنون از قربانی ها استفاده می شود و یک اولویّت آنجا دارد و یک اولویّت خارج از آنجا، اولویّت در آنجا اُقریبت به منی است، همه قربانگاهها خارج از منی است ولی اُقریبت اولویّتی ایجاد می کند. اما اولیّت در اینجا، اُقریبت به مصرف است، چون معلوم نیست آنها این قربانی ها را در کجا مصرف می کنند.
علاوه بر این اینجا شرایط قربانی رعایت می شود ولی در آنجا شرایط رعایت نمی شود. بنابراین اقرب به شرایط و مصرف اینجا و اقرب به مکان آنجاست و لذا ما قائل به تغییر هستیم.

\*\*\*

**مسأله ۱۱: المراد من الزاد و الرحلة ما هو المحتاج إليه في السفر بحسب حاله قوّة و ضعفاً** (در زمان ما هم راحله ها مختلف است و هر کسی به گونه ای می تواند برود) و **شرفاً و ضعة و لا یکنفی ما هو دون ذلک و کلّ ذلک موقوف الی العرف ولو تکلف بالحدّ مع عدم ذلک لا یکنفی عن حجة الاسلام** (فرع اوّل) **کما أنّه لو کان کسوباً** (در اثنای راه کسب می کند) **قادراً علی تحصیلها** (زاد و راحله) **فی الطريق لایجب و لا یکنفی عنها** (حجة الاسلام ـ فرع دوّم).
مرحوم صاحب عروه مسئله را گسترده تر مطرح کرده و می فرماید:

**مسأله ۱۴: المراد بالزاد هنا المأکول والمشروب و سائر ما یحتاج إليه المسافر من الأوعية التي یتوقف علیها حمل المحتاج إليه و جمیع ضروریّات ذلک السفر بحسب حاله قوّة ضعفاً و زمانه حرّاً و برداً** (باید مکان را هم می فرمودند چون مکان حرکت هم متفاوت است) **و شأنه شرفاً و ضعة**. (۱)

**اقوال:**

از نظر اقوال در مورد زاد ظاهراً اختلافی نیست و همه معتقدند که زاد و توشه به حسب الحال باید تهیه شود ولی در راحله اختلاف است؛ البتّه اختلاف در قوّت و ضعف نیست بلکه اختلاف در شرفاً و ضعة است. بعضی معتقدند که شرف و ضعة در راحله مطرح نیست، چون روایت داریم ولی از نظر قوّت و ضعف باید رعایت شود.
مرحوم آقاي خویی اشاره اجمالی به اختلاف در این مسئله دارد و می فرماید:

**اختلف الاصحاب في اعتبار الرحلة من حيث الضعة و الشرف فذهب جماعة إلى مراعاة شأن المكلف و حاله ضعة و شرفاً بالنسبة إلى الرحلة و ذهب آخرون إلى عدم اعتبار ذلک.** (۲)

ایشان موافقان و مخالفان را نام نمی برند ولی مرحوم صاحب جواهر(۳) بعضی را نام می برد و از صاحب مدارک نقل می کند که ایشان گفته اند رعایت شأنیّت در راحله نیست و ظاهر عبارت دروس هم عدم شأنیّت است و از کشف اللثام نقل می کند که به این معنا تمایل دارد ولی ظاهر کلیات بسیاری از علما شرطیّت است.
بنابراین در زاد و توشه و در قوّت و ضعف راحله اختلافی نیست و اختلاف در شرفاً و ضعة است.
قبل از ورود به بحث از ادله طرفین انواع راحله در سابق را بیان می کنیم:

سابقاً راحله مختلف بود، بعضی بر حمار و بعضی بر اسب و بعضی بر جهاز شتر می نشستند ولی کسانی که نمی توانستند، سه راه داشتند: کجاوه که فضای کوچکی بر دو طرف شتر بود که به خصوص برای زنها از آن استفاده می شد، گاهی بر کجاوه پوشش می انداختند که محمل می شد. کنبسه و جودج که اطافکی بر پشت شتر بود که درون آن می نشستند که بهترین نوع مرکب آن روز بود.

**ادله قائلین به عدم رعایت شأنیّت در راحله:**

**ـ اطلاقات ۱:**

اطلاقات وقتی زاد و راحله را می گوید شأنیّت در آن نیامده است.

**ـ روایات ۲:**

روایات متعدّدی که تصریح می کند «ولو علی حمار اجدع ابتر» و روایات متعدّد است و حدود شش روایت(۴) است، که یک روایت را از باب نمونه می خوانیم و چون روایات متضافراست نیاز به بحث از سند نیست:

**\* ... عن محمد بن مسلم في حديث قال: قلت لأبي جعفر(عليه السلام): فإن عرض عليه الحج فاستحب؟ قال: هو ممن يستطيع الحجّ و لم يستحب و لو علی حمار أجدع ابتر.** (۵)

**ـ سیره ائمه(علیهم السلام):**

**إنهم ركبوا الحمير و الزوامل،** جمع زاملة است و قاموس می گوید زاملة یا زامل عبارت است از حیوان یارکش یعنی **ائمه(علیهم السلام)** بر حیوان یارکش سوار می شدند پس معلوم می شود که شأنیّت رعایت نمی شود.

۱. عروه، ج ۴، ص ۳۶۴.
- ۲.معمّد، ج ۲۶، ص ۶۸.
۳. ج ۱۷، ص ۲۵۶.
۴. ج ۱، ۳، ۵، ۷، ۸ و ۹ از باب ۱۰ از ابواب وجوب الحج و شرائطه.
۵. ج ۱، باب ۱۰ از ابواب وجوب الحج و شرائطه.

### پی نوشت:

### مطالب مرتبط

**128 ـ م 46(توقّف تخلية السرب علی قتال العدو) ـ 16/03/86**

**127 ـ ادامه مسأله 45 ـ 13/03/86**

**126 ـ ادامه مسأله 45 ـ 12/03/86**

**125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) ـ 08/03/86**

**124 ـ ادامه مسأله 44 ـ 07/03/86**

\* متن

☐ پست الکترونیک


نام و نام خانوادگی



63326

\* کد امنیتی

ارسال

تعداد بازدیدکنندگان : ۱۸۳۱



فارسی

العربية

اردو

Azerbaijani

Русский

English

Español

Français